



ترجمه عبدالغفور خان مفتش

تعلیل علمی نظر کردن

« اتقوا شر الاعمین »

« ایا کم والعین فانها تدخل الرجل القبر والجمل القدر »

حدیث شریف

اعتقاد بتاثر چشمهای زنده از زمانهای بسیار قدیم در بین اکثر اقوام شائع است. تا چندی پیشتر ازین علماء این مسئله را تنها یکی از خرافات بیهوده حساب میکردند ولی امروز بکعبه از دانشمندان نظریاتی اظهار مینمایند که اگر حقیقت آن تصدیق شود بر صحت اعتقاد مذکور دلیل خوبی شده میتواند. اکثر مردمان عقیده دارند که اگر از قفای کسی جانب سر او بنظر تیز نگاه کنید بشما ملتفت میگردد و گویا میپرسد که چرا جانب او چشم دوخته اید؟ در زمره عقاید مروجہ بسیاری از ممالک مغرب زمین مخصوصاً ایالتا یکی همین است که چشمهای بعضی مردمان بجدی ضرر آورست که بر مخلوق زنده متوجه گردیده او را هلاک و یا اقلاب مصیبت بزرگی مبتلا میسازد.

منشأ این اعتقاد

بزعم طرفداران این عقیده و کسانی که بخوارق غامضه تصدیق دارند از جسم هر مخلوق جاندار شعاع مخصوص غیر مرئی انتشار می یابد درو لایات متحده امریکا و کانادا و مکسیک چنین اعتقادی شائع است که اگر چندی از گلهار بعضی از خانمها برداشته

و با خود دارند بزودی پژمرده شده و اگر دسته دیگری غیر از آن با خود بداند باز
تازگی و طراوت آن از دست نمیرود.

طرف داران عقیده مذکور اظهار مینمایند که بوسیله همین نشر شعاع افکار يك
شخص بشخص دیگر انتقال مینماید و همین مسئله است که آنرا تلبیاتی تعبیر مینمایند.
و به نشر اشارات بی سیم در هوا بیشتر شباهت میرساند.

گرچه جمهور علماء تا کنون این نظریه را تسلیم نکرده ولی جم غفیری صحت
آنرا نایند و اعتقاد مینمایند فی الواقع تاریخ تطورات علم مملو از چنان امثله دیده میشود
که دلیل میگردد بر اینکه اسرار و حقائق زیادی بر عالم پوشیده مانده و تعلیلات خرافی
برای آن ایراد مینمودند سپس علم بمیدان آمده صحت آنرا اثبات نمود.

سپس بزرگترین فلاسفه اوائل عصر حاضر میگویند: اعتقاد اینکه که در اذهان
مردم جا گرفته و نسلاً بالنسب دوار زیادی بران سپری گردیده تردید نمودن
و خرافات بیهوده پنداشتن آن ممکن نیست زیرا که هر چند خطا آلود باشد باز هم
بريك اساس حقیقی استناد دارد و مبنی بر مشاهده و ملاحظه های دور و دراز
هزار سال میباشد و وظیفه شخص عالم انکار عقاید نیست بلکه باید تاویل آنرا تصحیح نماید.
هنوز دیری نگذشته است که انجمن پیشرفت علوم امریکا اجتماع سالانه خود را
در شهر سرا کیوی اتا زونی منعقد ساخت از جمله اشخاص که در یکی از جلسه های آن ایراد
نطق نمود دکتور "ران" یکی از پروفیسرهای دارالفنون کورنیل بود این شخص
سلولهای "خمیره" و اشیائی را که در آن اجرای تاثیر مینماید موضوع بحث قرار
داده اظهار نمود که او با اجرای یکعده آزمایشهای باریک علمی قیام نموده و در نتیجه
باثبات رسانده است که اگر چشم بشر سوی سلولهای خمیره معمول که در تهیه نان
رسیده آنرا استعمال مینماید نیز متوجه گردد سلولهای مذکور هلاک میشود زیرا
که اشعه خفی نامرئی از چشم انتشار و در یافته خمیره اجرای تاثیر مینماید.

طوریکه اشعه فوق بنفش از بعضی مصادر منتشر گردیده قرار معلوم در جسم انسان و حیوان و نبات تأثیر می بخشد.

پرو فیسر ران مذکور میگوید سلولهای خمیره دارای احساس خیلی دقیق بوده از اشعه منتشره جسم انسانی چنان زیر تأثیر میمانند که اشعه فوق بنفشی بر آن اجرای تأثیر مینماید و این اشعه که از چراغهای مخصوص منتشر میشود اگر خلائای خمیره مدت طولانی در معرض تابش آن واقع گردد بهلاک آن وسیله میگردد.

چشم و اشعه

تجاریبی که دکتور ران با اجرای آن قیام و رزیده است دلیل میگردد که چشم انسانی مصدر یگانه انتشار اشعه غیر مرئی فوق الذکر را تشکیل نمیدهد بلکه از بعضی اعضای بارزۀ جسم مخصوصاً انگشتان و نوک بینی هم شعاع مذکور انتشار مینماید معلومات بدست آمده است که انگشتان دست راست در انتشار شعاع از انگشتان دست چپ قویتر میباشد ولی در وجود مرد اعسر (دست چپه) مسئله بر عکس سابق دیده میشود. بر علاوه تمامی اعضای جسم با اختلافی در جات در انتشار شعاع سهیم است.

تقریباً پانزده سال پیشتر از این دکتور الکزاندر ندر جر و نیش روسی تجربی به مدد هشی را بعمل آورد خلاصه عمل تجربه دکتور نامبرده چنین است که دو عدد پیاز را یکی بیهلوی دیگر زرع نمود و نشو و نمای آنها را در تحت مراقبت خود قرار داد. درین حال سرعت نمای پیاز خیلی زیاد بنظر آمد. به تعقیب مشاهده این حال یکی از آن دو عدد پیاز را از موضع اولی آورده دور تر از دومی بزیر خاک نمود و در نتیجه نشو و نمای هر دو بطاقت اختیار کرد. پس از اجرای بکرشته تجارب دیگری از همین قبیل دانسته گردید که ریشه های هر یک از پیازهای مزروع شعاع مخصوصی انتشار میدهد و اشعه که از ریشه های یکی منتشر میگردد در ریشه پیاز

ثانوی مجاور آن تأثیر خوبی نموده به نشو و نهی آن مساعد میگردد .

جمعی از علمای دیگر نیز از همین قبیل تجارب زیسادی بعمل آورده صحت نتیجه را که پرو فیسر ران بدست آورده بود اثبات نمودند طوریکه جمهور علمای فن باین مسئله اعتقاد متینی دارند که ریشه های پیاز و سائر بقولات شعاع نامرئی که هنوز کیفیت آن صحیح معلوم نیست از خود انتشار داده به نشو و نهی نبات کمک زیادی میسراند .

چون ریشه های مذکور بواسطه مضاعف کردن دیدن سلولهای زنده نمو مینمایند و این عملیه را علمای علم نبات بنام "میتو سیس" یاد مینمایند. دکتر جریش مذکور اشعه مذکوره را که بنموی نبات وسیله میگردد (اشعه میتو ژنی) یا اشعه "م" نام گذاشته است در همین نزدیکیها جمعی از علمای راجع با کشف اشعه مخصوص اعلان نمودند از ملاحظه اصل اظهارات علمای مذکور امروز چنین دانسته میشود که اشعه مکتشفه ایشان از اشعه "م" اختلاف زیادی ندارد؛ دکتر ماجرو و خانم او که هر دو در پاریس از اعضای موسسه یا ستور هیباشند با کشف اشعه مخصوصی موفق گردیده اند و اشعه مکتشفه ایشان با اشعه که اکنون مادر صدد آن میباشیم تماماً دارای شباهت میباشد. دکتر ماجرو و خانمش بدریافت این اشعه در (پرورش گاه) بکتریاموفق آمده و علم آوری نمودند که اشعه مذکور در نشو و نهی ریشه های بعضی نباتات و تقویه نفس بکتر یا تأثیر مینماید . چندی پس از آن پرو فیسر نافیل عالم شهیر سویس - زرنندی اثبات نمود که اشعه منشره ریشه های پیاز در آن واحد هم مفید افتاده و هم مضر ثابت میشود چه در عین زمان که بر ریشه بعضی پیازها قوت می بخشد به (چشم غوك) ضرر مد هشی را حواله میکند .

بتعقیب رویداد مذکور جمعی از علمای الهانی و غیره راجع یا سرار اشعه مذکور



هیئت اداری مدیریت حفظ الصحه و سپورت

مشغول تدقیق و کتب کا وی شده در نتیجه معلوم نمودند که عضلات حیوان و خلابای انسان سرطان مصدر مهمه آنرا تشکیل میدهد. سپس جمعی از علمای موسسه (بویس تمسون) تجارب زیبایی بعمل آورده و از آن با نبات رسید اشعه که از چشم انسان انتشار نموده سلولهای خمیره را هلاک میسازد تقریباً از پنجاه و شش مصدر دیگر از مواد حییه نیز منتشر میشود. در آن جمله بکتریای زنده ریشهای نبات، خون حیوان و انسان، خلابای اعصاب و عضلات و انساج سرطان و بیضه و یکعده مواد زنده دیگر شامل میباشد.

لاکن باوجود اینهمه تجارب متعدد جمعی از علمائنا هنوز راجع بمسئله اشعه مذکور اظهار شک نموده و خوف دارند که در موضوع اقرار وجود یا اعتبار اهمیت آن تاثیر وهم دخیل نباشد.

نظر شدن

اکنون باز بموضوع اصلی نظر کردن برگشته تکراراً اظهار مینمائیم که اعتقاد این امر از زمانه های بسیار قدیم در بین جمیع ملل عالم شایع بوده است و بدون هیچ شبهه میتوان گفت که هر گاه دزمینه اعتقاد مذکور کدام تعلیل علمی اقامه شود حتماً بر اساس نظریه اشعه (م) که در بالا ذکرش بمیان آمد استوار خواهد بود. چون بعضی اشخاص نظر بسائیر مردمان مصدر قوی اشعه مذکور میباشند ازین رو اگر کسی نیز دیک آمده یا او را به نگاه نیز ملاحظه نمایند تحت تاثیر شان واقع میگردد. چنانچه اغلب اوقات چون بسکلی نیز نگاه کنند پژمردگی دران پدیدار میگردد و هر گاه شکوفه را در کاج تکمه خویش قرار دهند بلافاصله طراوت آن مفقود میگردد و قرار معلوم بعضی از دخترهای جوان از نصب گل در سینه خود باها میآورند چه معلوم گردیده است که بمجرد گذاشتن آن گل را پژمرده و افسرده ملاحظه مینمایند.

این امر تقریباً دلیل قاطعی است که اشعه نامرئی از وجود بعضی مردمان

انتشار یافته در ماحول ایشان تاثیر نهایت ناپسند و بدعاقبتی بار میآورد .
 از اعتقادات شایعه بعضی نقاط اروپا و امریکا یکی همین است که هر گاه ارباب
 چشمهای زننده جانب شیر تازه حیوانات نظر نهابند ترشی و فساد در آن پیدا شده از کار
 می رود . اگر چه علم از بجا بودن عقیده مذکور انکار آورده آنرا در جمله خرافات بشمار
 میآورد ولی از باب نظر به اشعه «م» را جمع باین اعتقاد تعلیل علمی اقامه نموده میتوانند .
 اینهم تا گفته نماند که عقیده تاثیر چشم های زننده در ایثا لیا بوجه مخصوصی
 شدت انتشار یافته است چنانچه از معتقدات عوام اهالی است که اگر کسی دارای
 چشم زننده بوده و از جاده عبور نماید جاده از عا برین خالی میگردد چه شعور
 غامضی ایشان را بگریختن از نزد یکی و اجتناب آنشخص و ادار میسازد . بر علاوه
 عامه اهالی همچون اکثر معتقدین تاثیر چشمهای زننده اعتقاد مینمایند که
 اشخاص نظر کننده هیچ گاه ممکن نیست از اهالی در پرده خفا بماند بلکه جمیع
 مردمان همچو اشخاص را حتماً شناخته اوضاع و اخبار ایشان را در هر جایاد آوری
 مینمایند .

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

بنابر همین مسئله است می بینیم اکثر اشخاص از اجتماع با همچو افراد
 اظهار خوف نموده برای تلافی شرایط بوسایل مختلفی تشبث میورزند .
 و برای عملی شدن حفظ ما تقدم تعویذ و طومار را طرف استفاده خویش قرار میدهند .
 بعضی از اهالی ممالک شرق برای پرهیز از اصابت ابذای چشم مهره های نیلگون
 را در گردن اطفال آویخته اظهار مینمایند که مهره های مذکور برای دفع مصیبت
 نظر از وجود اطفال دارای قوه رموزی میباشد . در لندن و پاریس و نیویارک -
 شهرهای نور و علم و مدنیت - مردمانی وجود دارد که از پول فروش تعویذ و طومار
 گذاره مینمایند .

البته حاجت بیان نیست که اگر وجود و تاثیر چشمهای زننده را تصدیق نمائیم

و تعلیل علمی فوق در باره آن مورد قبول واقع شود در موضوع تصدیق تاثیرات تعاویذ و قدرت آن در دفع ایذای زخم چشم صعوبتی باقی نمی ماند .

زیرا چه میدانیم ؟ شاید در وجود مهره های کبود یا رنگباز ازرق برای مقاومت در ازای اشعه « م » که از وجود نظر کنندگان انتشار می یابد قوتی مضر باشد .

با خصوص که در بین اشعه و رنگها علقه غیر قابل انکاری نیز وجود دارد . در اینجا موضوع قابل اعتنائی وجود دارد و آن عبارت ازین است که نظر باعتبار عمومی تاثیر چشم بدون نگاه کردن صاحب آن بر اشعه یا اشخاص ظاهر نمی شود . بعبارت دیگر تاثیر چشم از دور واقع نمی گردد و صاحب آن از دور کسی را مورد اذیت قرار داده نمیتواند چه برای معلوم شدن تاثیر اشعه « م » باید اشعه مذکور بر جسم زنده جانی - از حیوان یا نبات - موصلت نماید . پروفسور ران که قبلاً از و یاد آوری بعمل آمده است با تریکرشته تدقیقات باربک علمی بصورت قطعی اثبات نمود و در نتیجه اظهار مینماید که اشعه « م » خیلی کوتاه است و مسافت بعیده را قطع نمیتواند بلکه از بعد چند متر تقریباً تاثیر محسوسی نمی بخشد و این خود در زمره قرائنی که ذریعه آن بر صحت نظریه وجود چشمهای زنده استدلال ممکن میگردد حلقه دیگری بشمار می آید .

علی کل حال ما این مقاله را که خلاص مضمون یکی از مجلات علمی ارو پاسانت انتشار داده در باره تردید یا تائید آن از قید تبصره یا تعلیقات صرف نظر مینمائیم . چه این موضوع جدا گانه بحث دور و درازی بکار دارد که ضیق مقام تذکار

آنها گنجایش ندارد .

« تمام »